

چراغ راه رستگاری

سلام من به دیاری که قبله دل هاست
دیار خاطره‌ای جاودانه پابرجاست
دیار آینه‌های همیشه نورانی
حریم عشق و ولایت، حریم پاک خداست
غدیر، چشمه جوشان عدل مولایی است
غدیر، گستره بی‌نهایت دریاست
به نام سبز محمد، معطر است این جا
بیا که قبله حاجات عاشقان، این جاست
غدیر، آینه سبز باور هستی است
غدیر، وسعت سبز بهشت را معناست
علی که آینه‌دار همیشه عشق است
علی که مظهر ذات خدای بی‌همتا است
علی یگانه به عدل و علی یگانه به عشق
علی یگانه به مهر و یگانه در دنیا است
امیر مسند آزادی، یدالله است
علی تمام کرامت، علی تمام سخا است
بیا به راه ولایت، که عاشقی این است
علی چراغ ره سبز رستگاری ماست

○ نسترن قدرتی

همای رحمت

علی ای همای رحمت! تو چه آیتی خدا را؟
که به ما سوا فکندی همه سایه‌ها را
دل اگر خدانشناسی، همه در رخ علی بین
به علی شناختم من به خدا قسم خدا را
به خدا که در دو عالم، اثر از فنا نباشد
چو علی گرفته باشد، سر چشمه بقا را
برو ای گدای مسکین! در خانه علی زن
که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را
به جز از علی که گوید، به پسر که قاتل من
چو اسیر توست اکنون، به اسیر کن مدارا
به جز از علی که آرد پسری ابوالعجائب
که علم کند به عالم، شهدای کربلا را
نه خدا توانمش خواند، نه بشر توانمش گفت
متحیرم چه نامم، شه ملک لافتی را
همه شب در این امیدم که نسیم صبحگاهی
به پیام آشنایی، بنوازد آشنا را
ز نوای مرغ یا حق، بشنو که در دل شب
غم دل به دوست گفتن، چه خوش است شهریارا

○ محمد حسین شهریار

لا اله الا الله

نَوای علی (ع)

ای نای دهر، پر ز نوای تو یا علی
وی آشکار در تو خدای تو یا علی
ای مایه حیات، دم روح پرورت
وی کشتی نجات، ولای تو یا علی
هستند کائنات، طفیل وجود تو
ای جان کائنات، فدای تو یا علی
اکسیر اعظمی که بجویند عارفان
باشد غباری از کف پای تو یا علی
پیچد هنوز در دل این نیلگون رواق
باشد غباری از کف پای تو یا علی
کردی عطا فقیر و اسیر و یتیم را
نان جوی که بود غذای تو یا علی
با خون ما عجین شده مهر تو از ازل
کس را نمی‌نهیم به جای تو یا علی
همچون حباب، بر سر امواج حادثات
ما را پر است سر، ز هوای تو یا علی

○ محمود شاهرخی (جذبه)

سِفْ لَافِ لَافِ لَافِ

خون و محراب

شبروان را نشان راه، تویی
در دل شب، فروغ ماه، تویی
ای علی! ای عدالت مظلوم
ای علی! ای امید هر محروم
شهرت عدل، از قضاوت توست
جاودان، جلوه عدالت توست
نسخه منحصر به فرد، تویی
سالکان را طیب درد، تویی
کشته عدلی و شهید شرف
در ره دین نهاد جان بر کف
ای نخستین شهید در محراب
ای کشیده ز خون به چهره نقاب
مسجد کوفه، سوگوار از تو
خون و محراب، یادگار از تو
خون فرقت هنوز می جوشد
شب ز سوگت سیاه می پوشد

○ جواد محدثی

ای علی! ای عصاره‌ای ز وجود
ای بزرگ آیتی ز غیب و شهود
اولین پیشتاز در ایمان
معنی دین، تجسم قرآن
مرد عقل و سلاح و عرفانی
دیده گریان و مرد میدانی
اسوه زهدی و شجاعت وجود
ای فدای تو هر چه بود و نبود
هر دلی خانه محبت توست
شرط ایمان و دین، مودت توست
دیدهای دیده خداین است
گفته‌ات ترجمان آیین است
سینه‌ات موج خیز، چون دریا
محرم راز توست هر صحرا
چون تو با حق و چون حق با توست
راه حق را هم از تو باید جست